

حادث نقد

سریال‌های
نمایش خانگی



بهار و تابستان ۱۴۰۴



دیباچه جایزه نقد

جستجوی ما هنوز ادامه دارد. از روزگاری که بنا داشتیم زبان مشترک داستان را در میان رمان‌ها و فیلم‌ها شنیدنی‌تر کنیم و برای توضیح وضع انسان، کلمات را از میان قصه‌ها بیرون بکشیم تا حتی همین جایزه نقد، جستجوی ما همین بوده است. اعتقاد داشتیم انسان در قصه‌ها ادامه دارد و قصه‌های اصیل چه بر پرده سینما چه در صفحات یک رمان، تکه‌ای تازه از جورچین این مخلوق ناگزیر را پیدا کرده‌اند.

اما پرسیدن هم کلمه می‌خواهد. انگار باید قدمی عقب برویم و دوباره قوه سنجش خودمان را در مواجهه با قصه‌ها محک بزنیم. از اینجا که ما ایستاده‌ایم، پرسیدن و سنجیدن دوروی یک سکه‌اند. چقدر می‌توانیم سخن بگوییم؟ چقدر می‌توانیم قصه انسان را بشنویم و باز از سر روایت کنیم؟ اصلاً بلدیم خوب قصه بخوانیم و خوب فیلم ببینیم؟ اگر خود انسان این توان را از دست داده باشد، دیگر به چه چیز می‌توان امید داشت؟ چه بی‌پناه است انسانی که هرگز حتی نتواند روبروی آینده‌ای بایستد و خود را ببیند و دیدن و روایت شدن خود را به نقد بکشد.

آن‌چه اکنون در پی‌آیم همین است. به نقد کشیدن نقد است، از رهگذر مرور سریال‌های فراگیر شبکه نمایش خانگی که این سال‌ها سهم بیشتری از چشمان ما داشته‌اند. عموماً شدن این سریال‌ها، آن‌هم در شرایطی که ظاهراً آزادانه‌تر از سنت سریال‌سازی در تلویزیون، قصه‌هایشان را می‌گویند فرصت مناسبی است که دوباره در قصه‌ها پرسه بزنیم و ببینیم آیا آن‌ها کلمات بهتری در دسترس ما قرار می‌دهند و آیا ما توان کشف هوشمندانه آن کلمات را داریم؟

دومین جایزه نقد دوزیست، با بررسی نقدهایی بر سریال‌های شبکه‌های نمایش خانگی، در سال ۱۴۰۳ با انگیزه‌هایی که گفته شد برگزار شد. نقدهای بسیاری به دست ما رسید و کیفیت متن‌ها بسیار بیشتر از حد انتظارمان بود. ما که شناختمان از سطح درک و قوه نقادی از سطح اجتماع و فضای مجازی گرفته می‌شد، در بهت اندیشه‌هایی که در سطر به سطر نقدهای ارسالی جاری شده بود، نه تنها به آینده سینما و نقد سینما امیدوار شدیم، بلکه بیشتر، به آینده جامعه ایرانی و حساسیت جامعه ایرانی به روایت‌هایی که از خودش و تاریخ خودش ساخته می‌شود. ناگفته معلوم است که ما در روایت‌های خودمان ادامه پیدا می‌کنیم. در ناخودآگاه جمعی ما گفتگویی با قصه‌هایی که از ما به زبان‌ها جاری می‌شود وجود دارد و سریال‌های پلتفرمی امروز سهم بیشتری از این زبان‌ها و این قصه‌ها دارند. هرچه این گفتگو بیشتر به بلوغ برسد و بیشتر از آن عقلانیت خاصی که در فرم قصه هست، بهره بگیرد، تاریخ ما که خود کلان‌قصه این سرزمین است سرانجام درخشان‌تری خواهد داشت. از این بابت است که این امید صرفاً آمیدی به آینده نقد سینما نیست، بلکه امیدی به آینده ایران است. اما امروز در نقطه‌ای هستیم که قصه ما دارد به جاهای باریک‌ش می‌رسد. عقلانیت داستانی و توان گفتن قصه زخمی مردمان شریف این سرزمین، چیزی است که امروز بیش از هر زمان دیگر به آن احتیاج داریم. دوزیست، به قدر بضاعت و فرصت خود سعی کرده و خواهد کرد که قدری در پرورار شدن این عقلانیت قدم بردارد. به امید اینکه باقی حرکت‌ها و جریان‌های فرهنگی نیز فراتر از حواشی و مسائل روزمره بازار فرهنگ، به رؤیاهای بزرگ‌تر بیان‌دیشند.



بیانیه هیئت داوران

بسمه تعالی

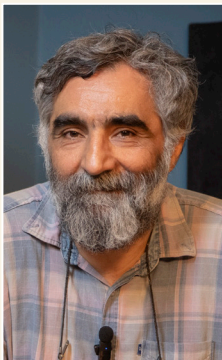
بیانیه هیئت داوران دومین دوره جایزه نقد سریال‌های شبکه نمایش خانگی

هیئت داوران دومین دوره «جایزه نقد» در حوزه سریال‌های شبکه نمایش خانگی، پس از مطالعه، تحلیل و مقایسه آثار رسیده به دبیرخانه، در نهایت شش نقد برگزیده و شایسته تقدیر را از میان متون شرکت‌کننده در مسابقه انتخاب کرد. فرایند داوری به دلیل تنوع رویکردها، تازگی زبان و جدیت بسیاری از شرکت‌کنندگان، فرایندی دشوار اما الهام‌بخش بود.

با این حال، هیئت داوران امیدوار است نتایج نهایی بتواند نمایانگر بخشی از ظرفیت‌های نوظهور در عرصه نقد باشد. برگزاری دومین دوره جایزه نقد با هدف کشف و پرورش استعدادها، تازه در حوزه نقدنویسی صورت گرفت، و آنچه از دل این رقابت برآمد، نشان داد که این مسیر نه تنها ممکن، بلکه ضروری است. حضور قابل توجه شرکت‌کنندگانی از شهرهای دور از مرکز، بدون پیش‌زمینه آکادمیک در رشته‌های مرتبط با سینما، اما برخوردار از نگاهی دقیق، زبانی روان و رویکردی تحلیلی به آثار روز، مهر تأییدی بود بر ظرفیت‌های متفول‌مانده در عرصه نقد. همچنین، مشارکت منتقدان و نویسندگان نام‌آشنای رسانه‌های مکتوب و تصویری در این رقابت، بیانگر اهمیت موضوع «نقد نقد» به عنوان حلقه نهایی در ارزیابی و ارتقای آثار هنری بود. تکرر چشمگیر آثار رسیده در این دوره، از یک سو نشانه‌ای بود از اقبال گسترده، تنوع دیدگاه‌ها و توانمندی‌های نو، و از سوی دیگر، برخی کاستی‌های رایج در نوشتارها را نیز برجسته کرد. در میان این آثار، گرایش غالب به تحلیل سریال‌ها از منظرهایی چون فلسفه، روان‌کاوی و سایر رویکردهای میان‌رشته‌ای مشهود بود؛ در حالی که نقد ساختاری متمرکز بر زبان سینما، و نیز نقدهای ژورنالیستی خوش‌خوان که نوشتار آنها واجد ذوق ورزی‌های ادبی و روایی باشد، کمتر دیده می‌شد. با این حال، در میان حجم انبوه متن، آثاری درخشیدند که نه تنها از این آسیب‌ها فاصله گرفته بودند، بلکه با قلمی توانمند، تحلیل ژرف و نگاهی خلاق، معیارهای حرفه‌ای نقد را متجلی



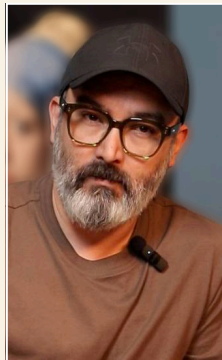
آنتونیا شرکا



هادی مقدم دوست



امیر قادری



محمد رضا مقدسیان



راحتین شهبازی

ساختند. با توجه به کیفیت آثار نهایی و رقابت فشرده میان آنها، هیئت داوران تصمیم گرفت دو اثر را به طور مشترک شایسته رتبه سوم بدانند. همچنین، دو نقد دیگر نیز با وجود قرار نگرفتن در جمع سه اثر برگزیده، به سبب برخورداری از ویژگی‌های قابل توجه در ساختار، دیدگاه و نگارش، شایسته تقدیر شناخته شدند. هیئت داوران صمیمانه از همه ی شرکت‌کنندگان به‌ویژه صاحبان آثاری که با قلم شیوا، نگاه بدیع و بهره‌گیری خلاقانه از مطالعات میان‌رشته‌ای، فضایی پربار و آموزنده را برای همگان رقم زدند، تقدیر و تشکر می‌کند. این هیئت همچنین امیدوار است رویداد «جایزه نقد» در ادامه مسیر خود، به بستری پایدار برای رشد و دیده‌شدن نسل جدید منتقدان تبدیل شود؛ نسلی که با دقت نظر، جسارت و زبان امروز، در تلاش برای احیای رویکردهای انتقادی در روزگار کمبود نقدهای معتبر و قابل ارجاع است.

با احترام،

هیئت داوران دومین دوره جایزه نقد

مرداد ۱۴۰۴



اکبر نبوی

ناب، مثل نقد گرم، مثل گفت‌وگو

به بهانه بزرگداشت اکبرنبوی، منتقد و روزنامه‌نگار پیشکسوت

قرار بود برای ضبط یک مستند کوتاه به دفترش برویم؛ دفتر یک روزنامه‌نگار قدیمی، منتقد سینما، مستندساز و برنامه‌ساز چه شکلی داشت؟ در ذهنمان شمایل چنین جایی را با همه کلیشه‌های رایج ساخته بودیم، اما وقتی در زدیم و در باز شد، با چیزی کاملاً متفاوت روبه‌رو شدیم. ما ناگهان قدم گذاشتیم به سرزمین کلمات. آن پناهگاه بیشتر شبیه خانه شاعران بود، و بعد فهمیدیم که او شاعر هم هست. کتابخانه‌ای عظیم، چند گلدان سرسبز، آشپزخانه‌ای که بوی چای و سیگار می‌داد، و ویتروینی از لوح‌های تقدیر و یادبودها، کنار هم چشم‌نوازی می‌کرد. روی دیوارها پوستر «شب‌های فرهنگ» نشسته بود و گوشه سالن، دوربینی بزرگ و مهربان در سکوت نظاره‌گر بود. همه منتظر بودند تا مرد سپیدموی سخن بگوید؛ مردی که به اندازه تمام آن موها حرف برای گفتن داشت. حرف‌هایش، با آن‌که یادآور خاطرات بسیاری از آدم‌های باتجربه بود، برای ما تازگی داشت. آن‌قدر که گفت‌وگویمان شش ساعت طول کشید و حتی هنگام خداحافظی، هنوز حس می‌کردیم پاهایمان بدهکار ماندن مانده‌اند.

گوگل می‌گوید او کارش را از روزنامه «رسالت» آغاز کرده و هشت سال در شورای سردبیری آن فعالیت داشته. اما اکبرخان نبوی داستان‌ش را از جای دورتری شروع می‌کند؛ سال‌هایی که هنوز دانش‌آموز بود و در مسجد محل، کتابخانه‌ای کوچک برپا کرده بود. خودش می‌گفت دغدغه داشتن، چیزی بود که هر روز و هر ساعت امید ادامه دادن را در او زنده نگه می‌داشت.

اما سرگذشت او فقط در دغدغه داشتن خلاصه نمی‌شد. در روایت خودش، خط سیر زندگی‌اش پر از صعود و فرود بود؛ مسیرهایی که گاه با شروع کارهایی تازه، گاه با نگه‌داشتن چیزهایی ارزشمند و گاهی حتی با رها کردن ناگزیر بود. این‌ها همان بخش‌هایی‌اند که در هیچ بیوگرافی نوشته نمی‌شود. در زندگی‌نامه آدم‌های موفق معمولاً فقط از دستاوردها می‌گویند، اما اکبر نبوی ساعت‌ها از «به‌دست‌نیافتن‌ها» حرف زد؛ از چیزهایی که آگاهانه و عمدی دست رد به سینه‌شان زده بود تا اسیر عنوان و جایگاه نشود. شاید مهم‌ترین‌شان نپذیرفتن مسئولیت رایزن فرهنگی در اروپا، مدیریت شبکه تلویزیونی آفتاب در نیویورک، یا اجرای برنامه «هفت» بعد از فریدون جیرانی بود.



با وجود مسئولیت‌های متنوعش در حوزه‌های دولتی و خصوصی، خود را مرد مناصب سنگین نمی‌داند. می‌گفت شبی نشسته و با خودش عهد کرده دیگر هیچ سمت دولتی نپذیرد، و همین هم شد. پس از تجربه معاونت فرهنگی در خانه سینما و معاونت بنیاد فارابی، عطای عناوین دولتی را به لقایش بخشید و ترجیح داد در بدنه فرهنگ به کارهای تولیدی بپردازد؛ مثل برنامه‌های «اقاف» و «خیابان جمهوری» که این روزها پخش می‌شوند و به سیاق برنامه «برداشت دو» در دهه هشتاد، با هنرمندان و اندیشمندان گفت‌وگو می‌کند. افزون بر این، سال‌ها در دفتر خود جلساتی با عنوان «اشب‌های فرهنگ» برگزار می‌کند که اهل فرهنگ را گرد هم می‌آورد. شاید بتوان گفت دوره اخیر زندگی اکبر نبوی، دوران «گفت‌وگو» بوده؛ گویی پس از سال‌ها تجربه و جست‌وجو، دریافته است که غنای فرهنگی تنها از مسیر گفت‌وگو ساخته می‌شود. اکنون، پس از سال‌ها حرف زدن از سینما، اندیشه، تصویر، شعر و انسان، چراغ گفت‌وگو همچنان روشن است. نقد، تنها از گذر گفت‌وگو زنده می‌ماند؛ این را اکبر نبوی در پایان آن روز طولانی گفت و ناگهان از شعرهایش زمزمه کرد که ایران کجاست و ما کیستیم و لحظه‌های دریغ این پیوند کجاست. همان لحظه بود که فهمیدیم منتقد فقط کسی نیست که نقد کند، بلکه باید تمام لحظات زندگی‌اش را منتقدانه زندگی کند.



دومین جایزه نقد

سریال‌های نه‌ایشت خانگی



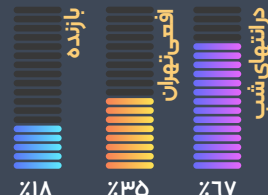
نحوه دسترسی
شرکت‌کنندگان به اطلاعات مسابقه



مقطع تحصیلی
شرکت‌کننده‌ها



نقد‌های رسیده برای
سه سریال پرطرفدار



پرتکرارترین رشته‌های تحصیلی
علوم ارتباطات | ادبیات نمایشی | پژوهش هنر

مشارکت‌تهرانی‌ها ۴۸٪
مشارکت شهرستانی‌ها ۵۲٪



تعداد نقد‌های رسیده
۱۶۹ عدد



رشته تحصیلی مرتبط ۵۱٪
رشته تحصیلی نامرتب ۴۹٪



مشارکت خانم‌ها ۳۴٪
مشارکت آقایان ۶۶٪





اینجا داستان داریم...

